

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی درباره کودکان و نوجوانان و تطبیق آن با آموزه‌های دینی

سیده لیلا خشنودی^۱، سید سجاد خشنودی^۲، ایران ناصری^۳

^۱دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره، گرایش امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان یاسوج

^۲کارشناسی فلسفه و کلام موسسه علوم اسلامی حاجی کلباسی اصفهان، سطح ۲ حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) یاسوج،

^۳دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه فرهنگیان یاسوج

s.l.khoshnoudi@gmail.com^۱

Sayedsajjadkhoshnoudi@gmail.com^۲

naseri.tb42@gmail.com^۳

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چکیده

مثل، جمله‌ای مشهور، کوتاه و مختصر است که در محاورات عموم مردم کاربرد دارد و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه است. و به تعبیر دیگر، مثل، بازنمود و بیانگر اندیشه‌ها و عقاید، شیوه‌ی تفکر، ویژگی‌ها و روحیات گذشتگان و پیشینیان است. بی‌شک آموزه‌های دینی نیز در آینه‌ی ضرب‌المثل‌ها بازتاب و انعکاس یافته‌اند. در موضوع ضرب‌المثل‌ها و تطبیق آن با آموزه‌های دینی پژوهش ساختاریافته و منسجم زیادی دیده نمی‌شود. به طوری که در موضوع مورد بحث اصلاً مقاله یا کتابی تدوین نشده است، تنها کتاب «ماه در آب» نوشته‌ی سید محسن موسوی، به طور کلی ضرب‌المثل‌های فارسی را به همراه با معادل آن‌ها از احادیث ذکر کرده است و چند مقاله و کتاب به نوعی با این موضوع ارتباط یافته و بدان پرداخته‌اند. از این‌رو نوشتار پیش‌رو با روشی کتابخانه‌ای و بررسی تک‌به‌تک ضرب‌المثل‌های بیان شده در این موضوع، ضمن مفهوم‌شناسی «ضرب‌المثل»، ضرب‌المثل‌های فارسی درباره‌ی کودکان و نوجوانان به‌همراه با تطبیق آن‌ها با آموزه‌های دینی را مورد بررسی قرار داده است.

کلمات کلیدی: آموزه‌های دینی، ضرب‌المثل، فارسی، کودکان و نوجوانان، مثل

مقدمه و هدف

مثل‌های مرسوم در بین مردم یکی از شاخه‌های بنیادی و پررهای ادبیات و معیار موثق و بی‌چون و چرایی از فرهنگ و ادب روزگار گذشته دیرین مرزوبوم ماست و کاویدن درخصوص آن‌ها کاری نفیس و پرازش است بدین معنا که جدای از منافع ادبی و فرهنگی می‌تواند برای شناخت اندیشه‌ها و عقاید، شیوه‌ی تفکر، ویژگی‌ها و روحیات گذشتگان و پیشینیان ما ثمربخش باشد. یکی از اساسی‌ترین عوامل درک صحیح و کامل مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها در موضوعات مختلف و استفاده بجای آن، در گرو تحقیق و بررسی و تطبیق آن‌ها با آموزه‌های دینی است یعنی بی‌گمان یکی از مآخذ و منابع بسیار مؤثر و پر دامنه در مثل‌نگاری و مثل‌سازی فارسی فرهنگ گسترده و پر دامنه‌ی اسلامی است؛ زیرا بدون توجه به این مهم، فهم معنای واقعی و مطابقت آن با اصل حقیقت در هاله‌ای از آمیختگی و ابهام فرو رفته و ما را از درک واقعیت مورد اشاره دور می‌نماید به خصوص آن‌که اغلب مثل‌ها ساخته‌ی اذهان مردم عادی است و مبرهن است بازنمود حقایق به واسطه‌ی این مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها، فراخور با دانش و اندیشه نگارندگان و سازندگان آن‌ها است که از سر ابتکار و استعداد، طبع و قریحه، ملکات اخلاقی و روحی، انگارش‌ها و تصورات، اندیشه‌ها، و خلق‌وخوی هر ملت و بر حسب خصیصه‌های قومی و فرهنگی، آداب و رسوم، دین و مذهب و حتی وضع سیاسی و جغرافیایی یک کشور شکفته گشته و ترویج پیدا کرده است.

به هر حال نقش مثل‌ها، بازنمایی حقیقت‌هایی از فرهنگ عامه‌ی مردم است و بی‌شک حقیقت‌های دینی یک ملت در آینه‌ی مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها درخشش و انعکاس پیدا می‌کند، از این‌رو این موضوع، پرسش‌هایی را در ذهن هر انسانی بر می‌انگیزاند، مسائلی چون: مثل و ضرب‌المثل به چه معنایی آورده می‌شوند و اساساً چه فرقی با هم دارند؟ آیا ضرب‌المثل‌ها ارتباطی با آموزه‌های دینی دارند؟ و آیا ضرب‌المثلی در زمینه‌ی کودک و نوجوان در متون فارسی آمده است؟ و به طور کلی آیات و روایات کدام‌یک از ضرب‌المثل‌ها را

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تایید و تاکید کرده است؟ با توجه به این مطالب، از جمله اهداف پژوهش پیش‌رو ضمن پرداخت به مفهوم‌شناسی «مثل و ضرب‌المثل» به دنبال توضیح و تحلیل ضرب‌المثل‌های فارسی در خصوص کودکان و نوجوانان و مستند کردن آن‌ها با آموزه‌های دینی است.

تئوری و پیشینه تحقیق

در موضوع ضرب‌المثلها و تطبیق آن با آموزه‌های دینی پژوهش ساختاریافته و منسجم زیادی دیده نمی‌شود. به طوری که در موضوع مورد بحث اصلاً مقاله یا کتابی تدوین نشده است، تنها کتاب «ماه در آب» به طور کلی ضرب‌المثل‌های فارسی را به همراه با معادل آن‌ها از احادیث ذکر کرده است و چند مقاله و کتاب به نوعی با این موضوع ارتباط یافته و بدان پرداخته‌اند (که در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود). اما جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های فارسی در خصوص کودکان و نوجوانان به همراه با توضیحات و تجزیه و تحلیل نسبت به آیات و روایات مقاله یا کتابی یافت نشد.

سید محسن موسوی کتابی با عنوان «ماه در آب» نوشته که از سوی دارالحدیث در قم به سال ۱۳۸۳ ش چاپ شده است. در این کتاب مشابه بسیاری از ضرب‌المثل‌های پر‌محتوای فارسی را آورده و معادل آنها را از احادیث نیز نشان داده است که نشان می‌دهد دست کم بخشی از ضرب‌المثل‌های فارسی ریشه در حدیث دارند.

امثال و حکم (۱۳۹۱) اثر علی اکبر دهخدا؛ این مجموعه دارای نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم (ضرب‌المثل) و کلمات قصار و ابیات متفرقه است. مطالب به ترتیب الفبا تنظیم و ضرب‌المثل‌ها شرح و تفسیر شده است.

فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی (۱۳۸۴) نوشته‌ی بهمن دهگان؛ این مجموعه مشتمل بر ضرب‌المثل‌هایی است که به ترتیب موضوعی و بر اساس حروف الفبا تدوین شده است. "برای نمونه، ضرب‌المثل‌هایی که دربرگیرنده‌ی واژه‌های "بچه"، "بچگی"، "کودک"، "طفل"، "اولاد" و "فرزند" هستند همگی زیر شناسنامه "بچه" آمده‌اند.

«فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های پارسی» (۱۳۹۲) به گردآوری حسین رحمت‌نژاد، مجموعه‌ای از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی است که در زبان فارسی رایج است. در این کتاب به ترتیب حروف الفبا این ضرب‌المثل‌ها گردآوری و سپس مفهوم و کاربرد آن بیان شده است.

بررسی راستی‌نمایی مثل‌ها در متون منثور فارسی نسبت به آموزه‌های دینی (۱۳۹۶)، نشریه نثرپژوهی ادب فارسی، شماره ۴۲) نوشته‌ی عبدالرضا محمدحسین زاده / میثم تارم / حمید صباحی‌گراغانی، در این مقاله ضمن تقسیم‌بندی استقرایی مثل‌ها، نویسنده بدین نتیجه می‌رسد که ضرب‌المثل‌های فارسی در بازنمود آموزه‌های دینی در بسیاری موارد و به دلایل مختلف از قبیل انگیزه مثل‌نگار و یا محدودیت در ساختار بیانی - در بازتاب آموزه‌های دینی موفق نبوده، بلکه موجب سوء برداشت‌هایی گردیده‌اند که ساحت دین از آن مفاهیم کاملاً مبرا و به دور می‌باشد.

بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی (۱۳۸۸، فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، شماره ۱) و نحوی نوشته‌ی دکتر حسن ذوالفقاری، در این مقاله آمده است که ضرب‌المثل‌ها، در کنار کنایات، اصطلاحات، زیانزدها و واژگان، از جمله مواد و مصالح زبانی به‌شمار می‌روند که غنای هر زبان به کمیت و کیفیت همین مواد بستگی دارد. از این‌رو در این مقاله مؤلف می‌کوشد پس از طرح موضوع و تعریف مثل، این گونه زبانی را در دو سطح واژگانی و نحوی بررسی نماید.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی (۱۳۸۶، فصلنامه مطالعات ملی شماره ۲) نوشته‌ی حسن ذوالفقاری، در این تحقیق بیان شده است که ضرب‌المثل‌ها زیر مجموعه‌ی فرهنگ مردم و فرهنگ مردم یکی از عناصر مهم هویت‌ساز است. ضرب‌المثل‌ها به دلیل اهمیتی که در فرهنگ‌سازی و انعکاس فرهنگ مردم و هویت فردی و اجتماعی آنان دارند مقوله‌ای مهم در مطالعات مربوط به هویت ملی به شمار می‌روند. از این‌رو این تحقیق بر آن است تا نشان دهد نقش ضرب‌المثل‌ها در انعکاس و تقویت هویت ملی چیست؟

عمده فرق تحقیق پیش‌رو با منابع پیش‌گفته این است که؛ اولاً منابع مذکور تنها به ذکر ضرب‌المثل بسنده کرده‌اند و از توضیح و شرح آن‌ها خودداری کرده‌اند. دوماً هیچ کدام از منابع، ضرب‌المثل‌های در این باب را با آیات و روایات تطبیق ندادند.

مواد و روشها

با توجه به این‌که پردازش این مقاله به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، منابع گوناگون، اعم از کتاب‌ها، مقالات، نشریات و ... نوشته شده در این موضوع مورد بررسی و کاوش قرار گرفت، و از آن‌جایی که مقاله یا کتاب به خصوصی در این زمینه به رشته‌ی تحریر درنیامده بود، نگارنده تک‌به‌تک مثل‌های در این‌باره را از کتب مربوطه استخراج کرد و سپس هر کدام از آن‌ها را با آیات و احادیث مربوطه تطبیق کرد تا بتواند بازشناسی و برابرسازی در ارتباط با ضرب‌المثل‌های درباره‌ی کودکان و نوجوانان با آموزه‌های دینی را مهیا کند.

نتایج و بحث

مثل، جمله‌ای مشهور، کوتاه و مختصر است که در محاورات عموم مردم کاربرد دارد و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه است و به تعبیر دیگر، مثل، بازنمود و بیانگر اندیشه‌ها و عقاید، شیوه‌ی تفکر، ویژگی‌ها و روحیات گذشتگان و پیشینیان است. بی‌شک آموزه‌های دینی نیز در آیین‌های ضرب‌المثل‌ها بازتاب و انعکاس یافته‌اند، از این‌رو در ادامه ضمن مفهوم‌شناسی «ضرب‌المثل»، ضرب‌المثل‌های فارسی درباره‌ی کودکان و نوجوانان به‌همراه با تطبیق آن‌ها با آیات و روایات آورده می‌شود.

مفهوم‌شناسی ضرب‌المثل

از دیرباز جملات پرمغز، عبارات حکیمانه، و حکایت‌های کوتاهی نزد اقوام و ملل گوناگون و زبان‌های زنده دنیا برای موعظه و رهنمود وجود داشته که برای همه‌ی اقشار، قابل درک و شناخته شده است و بیانگر حکمت و فرزانیگی، تعلیم و تربیت، ذوق، دین و آیین، تفکر و شیوه‌ی زیست آن ملت‌ها می‌باشد. این سخنان کوتاه، خردمندانه، حکیمانه و گفتارهای موجز و مختصر، «مَثَل» نامیده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌شوند. به بیانی دیگر ضرب‌المثل در بردارنده‌ی داستان و حوادث پندآموزی است که گاهی به وقت سخن گفتن برای بیان پیشگویی‌های احتمالی نتایج انجام برخی از کارها به مخاطب استفاده می‌رود. به‌طور معمول، مردم برای تبیین سریع منظور خود و اثربخشی بیشتر آن، از مَثَل استفاده می‌کنند. اختصار، پیدایی و روشنی، اثرگذاری عمیق و سریع بر مخاطب، دلپذیر و دلنشین بودن از خصوصیات و ویژگی‌های مَثَل است. عموماً «مَثَل و ضرب‌المثل»، را مترادف یکدیگر به کار می‌برند، اما مَثَل اعم از ضرب‌المثل است، ضرب‌المثل کاربرد، بیان و استفاده از مثل است، یعنی استفاده‌ای را که شخص در موقعیت یا شرایطی خاص از مثل می‌کند، ضرب‌المثل گویند (محمدحسین زاده / تارم، صباحی‌گراغانی، ۱۳۹۶: ۲۰۱).

واژه ترکیبی ضرب‌المثل از دو قسمت «ضرب» و «مثل» تشکیل شده است. ضرب به معنای «زدن» و مثل نیز به معنی «داستان» است. به بیان دیگر ضرب‌المثل به معنی «مثل زدن» نیز می‌باشد. باید گفت که؛ مثل‌نگاران و مثل‌شناسان تا کنون بیش از بیست تعریف برای مثل بیان نمودند: به عنوان مثال: بهمینار در کتاب خود «مثل» را بدین گونه تعریف می‌نماید: جمله‌ای مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند (بهمینار، ۱۳۸۱: ۱۹). سبحانی در این باره اعتقاد دارد که: گاهی مَثَل را مثال نیز می‌نامند و مثال در لغت به معنی نمونه است. مضمون مَثَل، نمونه‌ای است از یک مفهوم کلی که بر همه‌ی موارد منطبق است (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۵). شکراللهی در «مثل آباد» می‌نویسد: «مَثَل به سخنانی کوتاه به نثر یا نظم اطلاق می‌شود که بیانگر مفاهیم اخلاقی، اجتماعی، اندرز و دستورهای زندگی است. به کار بردن مَثَل در سخن را "ضرب المثل" یا "داستان زد" می‌گویند. ... مَثَل، ساختاری محکم، عبارتی روان، معنایی کنایی و کاربردی عام دارد (شکراللهی، ۱۳۸۳: ۵-۶). «فرهنگ نفیسی» ضرب‌المثل را «مشهور شدن و در دهان مردم افتادن چیزی که همه مردم آن را بگویند» معنا می‌کند (نفیسی، ۱۳۵۵: ۳ / ۲۱۹۸). چنانچه بهمن دهگان در کتاب «فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی» در تعریف آن می‌نویسد: ضرب‌المثل یا مَثَل یا مثل سائر: جمله‌ای است زبانه‌ی گروهی از مردم در دوره‌ای از زمان. ضرب‌المثل دلالت بر مفهومی عام دارد و گوینده یا سازنده اصلی و نخستین آن ناشناخته است (دهگان، ۱۳۸۴: ۸).

با توجه به مطالب پیش گفته، ذوالفقاری در مقاله «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی» ضمن بیان ده مورد از فصل مشترک‌های تعاریف بالا و ویژگی‌های یادشده، این تعریف جامع را ارائه می‌دهد: مثل جمله‌ای است کوتاه، گاه آهنگین، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۴). بنابراین ضرب‌المثل‌ها در گفتگوی روزمره به عنوان پشتوانه‌ی درستی دیدگاه افراد و گاه نشانه‌ی بالا بودن ادراک و فهم گوینده به شمار می‌آیند، در حالی که بیشتر آن‌ها بر پایه گفته‌هایی است که سینه‌به‌سینه منتقل شده و کمتر پشتوانه علمی و منطقی دارد (محمدحسین زاده، ۱۳۸۸: ۹).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ضرب‌المثل‌های فارسی درباره کودکان و نوجوانان

افزون بر فقها، عرفا، فلاسفه، شعرا، ادبا و ... که تحت تأثیر قرآن کریم و احادیث بوده‌اند و از آن‌ها الهام‌گیری کرده‌اند؛ آیات و روایات در کلمات و محاورات مردم کوچه و بازار نیز رسوخ کرده و برای گفتن ضرب‌المثلها نیز از آن‌ها بهره برده‌اند، در ادامه تعدادی از ضرب‌المثل‌های فارسی که مفهومی عام نسبت به کودکان و نوجوانان دارد (واژگان کودک، بچه، نوجوان، طفل و ... در آن‌ها نیست) و همچنین مثل‌هایی که دربردارنده‌ی واژگان «کودک، بچه، و ...» است، همراه با تطبیق آن در آیات و روایات آورده شده است. ناگفته معلوم است که ضرب‌المثل‌های فارسی برگرفته از کلام وحی بیش از این می‌باشد؛ ولی به جهت گنجایش نوشتار به همین مقدار بسنده شد.

در این جا منظور از کودک و نوجوان واژگانی چون: بچه، بچگی، اولاد، پرورشگاه، ته‌طغاری، طفل، فرزند، جوان، دختر، پسر، کودکستان، نوه، یک‌ویگانه، یکی‌یدونه می‌باشد (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

۱- خدایی (همان کس) که دندان دهد، نان دهد (همان، ۱۳۸۴: ۴۸۵).

غالباً این ضرب‌المثل را برای کسی به کار می‌برند که فرزندی به دنیا آورده و غم و اندوه رزق و روزی او را می‌خورد. دیگران با گفتن این ضرب‌المثل، لطف و رزاقیت خدا را یادآور می‌شوند که فرزند با خود روزی دوچندان می‌آورد و نباید کفران نعمت کرد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (هود، ۶)؛ هیچ جنبه‌ای در روی زمین نیست مگر این که روزی‌اش بر عهده خداست. یا حضرت علی «علیه السلام» در نهج البلاغه می‌فرماید: همه مخلوقات، جیره‌خوار خدایند، او روزی آنان را ضمانت کرده و خوراکشان را مقدر ساخته است (نهج البلاغه، خطبه ۹۱). مولوی در همین باره به زیبایی می‌گوید (حیدری‌ابهری، ۱۳۸۵: ۳۶۶):

گفت از ضعف توکل باشد آن ** ورنه بدهد نان کسی که داد جان

هر که جوید پادشاهی و ظفر ** کم نیاید لقمه نان ای پسر

دام و دد جمله همه اکال رزق ** نه پی کسب‌اند نه حمال رزق

جمله را رزاق روزی می‌دهد ** قسمت هر یک به پیشش می‌نهد

رزق آید پیش هر که صبر جست ** رنج کوشش‌ها ز بی‌صبری تست

باید دقت کرد که وقتی گفته می‌شود خدا نان می‌دهد، بدین معنا نیست که هرکسی بیکار در گوشه‌ای بنشیند و خداوند روزی‌اش را از آسمان برساند. بلکه مقصود از دندان دادن این است که خداوند عقل و شعور و توانایی به انسان داده و او را یاری می‌رساند که خود بتواند روزی‌اش را به دست آورد. در این صورت با توکل داشتن و ناامید نبودن خداوند مهربان به رزق او افزونی و برکت می‌دهد. در مثل‌ها درباره‌ی برکت بودن و ... بچه آمده است که: «بچه [خودش] روزی‌اش را [با خودش] می‌آورد» «بچه برکت‌خانه است» «بچه چراغ خانه است» «بچه سرمایه است» (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۰۷) و اساساً مثل‌ها کودک را نمک و میوه‌ی زندگی دانسته‌اند: بچه (فرزند / اولاد) ثمره‌ی (میوه‌ی) زندگی است (همان، ۱۰۸). بچه نمک (گل، شیرینی، شادی) زندگی است. (همان). و در روایتی او را در به میوه‌ی دل تشبیه می‌کند. إِنَّ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمْرَةً وَثَمْرَةُ الْقَلْبِ الْوَلَدُ (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۳۳): هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل، فرزند است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

درباره غصه نخوردن در باب رزق و روزی حکایت جالبی در کتاب البیان و التبیین نوشته «جاحظ» آمده است که «عبدالله عتبة» زمینی داشت که آن را به هشتاد هزار (درهم) فروخت (تا در کار خیری مصرف کند). به او گفتند: خوب بود بخشی از این مال را برای فرزندان ذخیره می‌کردی. او در پاسخ چنین گفت: من این مال را برای خودم نزد خدای متعال ذخیره کردم و خدای متعال را برای فرزندانم ذخیره قرار می‌دهم (جاحظ، ۲۰۰۲: ۳ / ۱۰۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۴ / ۸۱۶). اوحدی یکی از شاعران فارسی زبان، این گفتار حکیمانه را در شعرش چنین خلاصه کرده است (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۱۱۳):

فرزند، بنده‌ای است خدا را غمش مخور

تو کیستی که به ز خدا بنده‌پروری

لازم به ذکر است که ضرب‌المثل مورد بحث برگرفته از حکایت کوتاه و زیبایی سعدی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۸۶۰):

یکی طفل دندان برآورده بود ** پدر سر به فکرت فرو برده بود

که من نان و برگ از کجا آرمش؟ ** مروّت نباشد که بگذارمش

چو بیچاره گفت این سخن نزد جفت ** نگر تا زن او چه مردانه گفت

مخور هول ابلیس، تا جان دهد ** هر آن کس که دندان دهد نان دهد

۲- عجله کار شیطان است (دهخدا، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۰۹۰).

این ضرب‌المثل هم برای کوچک‌ترها و هم بزرگ‌ترها کاربرد دارد. در توضیح این ضرب‌المثل باید گفت که عجله و شتابکاری بدین معنا است که: آدمی به مجرد این که امری به خاطر او خطور کند اقدام به آن نماید، بدون آن که اطراف آن را ملاحظه نماید و در عاقبت آن تأمل کند، و این از کم‌دلی و ضعف نفس است. و از راه‌های بزرگی که شیطان بسیاری از فرزندان آدم را به هلاکت رسانیده است (نراقی، ۱۳۹۸: ۲۱۸). درباره این ضرب‌المثل در آیات و روایات تأکیدات فراوانی دیده می‌شود، چنان‌چه رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمودند: درنگ و تأنی در کارها از سوی خدای رحمان است و شتاب و عجله در آن‌ها از سیاست‌های شیطان (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۱۵). در بیان دیگری حضرت علی «علیه السلام» شتابزدگی را با نابخردی همسو دانسته است: شتاب در کاری پیش از توانایی یافتن آن، و سستی و درنگ بعد از دست دادن فرصت، نشانه نابخردی است (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۵؛ حلوانی، ۱۴۰۸: ۴۸). البته باید توجه داشت که آن‌چه در آموزه‌های دینی به عنوان «عجله ناپسند» مورد شماتت و نکوهش قرار گرفته آن مواردی است که انسان بدون تحقیق و بررسی کارشناسانه، چشم و گوش بسته بخواهد دست به کاری بزند که نمی‌داند خیر و به نفع اوست یا به شر و ضررش، ولی آن‌گاه که کاری را با ملاحظه و مذاقه مورد امعان و بازبینی قرار داد و همه‌ی جوانب آن را با تمام احتمالات آن واری کرد و روشن شد که انجام آن زبانی به دین و دنیای او نمی‌رساند، سهل‌انگاری و تأخیر در آن روا نیست، بلکه شتاب و سرعت مورد پذیرش و سفارش دین نیز می‌باشد، و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ (آل عمران، ۱۳۳)، فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (بقره، ۱۴۸). و ضرب‌المثل از قول حافظ «هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود» در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست (دهگان، ۱۳۸۴: ۵۲) نیز گویای این واقعیت است.

۳- چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد (دهخدا، ۱۳۹۱: ۳ / ۱۲۲۹؛ دهگان، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

در توضیح این ضرب‌المثل باید گفت که؛ بازی ایزاری است برای آگاهی از خلیات، روحیات و استعدادهاى کودکان، و یکی از وسیله‌های آموزش و پرورش اخلاقی و اجتماعی آنان است که زمینه را برای ورود کودک به زندگی واقعی مهیا می‌سازد. و لذا انسان، محتاج تفریح و ورزش است و چنان‌که در این آیه «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ (يوسف: ۱۲)؛ فردا او را با ما بفرست که در چمن و مراتع بگردد و بازی کند» مشاهده می‌شود، قوی‌ترین منطقی که قادر بود حضرت یعقوب «علیه السلام» را تسلیم خواسته فرزندان کند، این

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بود که یوسف «علیه السلام» نیاز به تفریح و سرگرمی دارد. پس برقراری ارتباط با کودکان پیش‌ش‌ها و پیچیدگی‌های خاصی دارد. به طوری که روش فکر کردن و عمل کودکان متمایز از بزرگسالان است و خود این انگیزه‌ای است که سبب می‌شود تا بزرگسالان به سادگی نتوانند با کودکان ارتباط برقرار کنند. یعنی چنانچه در ضرب‌المثل از قول مولوی آورده شد ارتباط با کودک با زبان کودکان، مهم است. به همین منظور است که قرآن کریم می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغَانِ قَوْمِهِ (ابراهیم، ۴). و در تایید آیه رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» فرموده‌اند: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۴۸۳-۴۸۴)؛ کسی که کودکی دارد (در پرورش او) باید کودکانه رفتار نماید. یا در روایتی شبیه به این، حضرت امیر «علیه السلام» فرموده‌اند: مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبِيًّا (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۴۴۹). یا در روایتی دیگر کلینی از قول پیامبر «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» نقل می‌کند که پیامبر دستور دادند که با هر کس به اندازه درک و عقل خودش با او صحبت کنید و نه نسبت به حقایق واقعی. اَمْرُنَا أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ (همان، ۱ / ۵۱). از همین روست که در مثل‌ها آمده است که؛ کودک را با چوب و شلاق نمی‌توان تربیت کرد. بلکه هر بچه‌ای و اساسا هر کسی را باید با زبان خودش با او صحبت کرد و زبان کودک بازی است و زبان نوجوان رفاقت و دوستی.

۳- فرزند کمتر زندگی بهتر / بچه‌ی کمتر خوشبختی بیشتر (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

انسان به ویژه در دنیای کنونی چند نیاز اساسی دارد: نیاز به تغذیه، لباس و مسکن، نیاز به امور بهداشتی، نیاز به شغل و نیاز به تحصیل علم و دانش. روشن و مبرهن است که اگر این احتیاجات برآورده نشود، بیماری و جهل، بیکاری و بی‌سوادی و ... اساس جامعه را سست و متزلزل می‌کند از این‌رو نباید از کثرت نسل هراس داشت؛ بلکه باید کوشید مشکلات چهارگانه آن‌ها را حل و فصل کرد، به همین خاطر یکی از بهترین مشوق‌های ازدیاد جمعیت در میان مسلمانان این حدیث است، جلوگیری را ترک کن و فرزنددار شو که خداوند رزق و روزی را تأمین می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۳۳۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۳۶۰). یا در عبارتی شبیه به این آمده است: أَكْثِرُوا الْوَلَدَ، أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۳۲۸). یا در مثل‌ها درباره‌ی ثمرات داشتن فرزند خوب و نیکو آمده است که؛ اولاد خوب اجاق روشن کن خانه و خانواده است / بچه (فرزند / اولاد) [بعد از مرگ] اسم آدم را [تو دنیا] باقی می‌گذارد (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۰۷). ای بیان شده است که (دهخدا، ۱۳۹۱: ۲ / ۷۷۹؛ دهگان، ۱۳۸۴: ۱۱۱)؛

در این عالم از هر چه بایستنی است

نکو تر ز فرزند شایسته نیست

پس می‌توان نتیجه گرفت که ضرب‌المثل «فرزند کمتر زندگی بهتر» از جهاتی کاملاً اشتباه است، با این توضیح که؛ داشتن فرزند، سبب آسایش و آرامش روحی و فکری انسان می‌شود و انسان را از تشویش‌خاطر، افسردگی و پریشانی روحی نجات می‌دهد. به طوری که در مثل‌ها آمده است: به گیتی چون فرزند پیوند نیست (دهگان، ۱۳۸۴: ۱۰۷). و از طرفی اگر انسان به سبب داشتن فرزندان زیاد نتواند که آنان را به خوبی تعلیم و تربیت دینی و اجتماعی دهد یا شغلی درخور و مناسب برایشان فراهم کند، آسایش روحی را زدوده و تباه می‌کند و به عکس هدف و حکمت است که اولیای دین، فرزند را به خاطر آن توصیه می‌کردند. یعنی فرزندان که تربیت درست اسلامی ندارند و به دلیل نداشتن شغل شایسته، در تنگ‌دستی، تهی‌دستی و فقر به سر می‌برند، زمینه انحراف آنان به فساد اخلاقی، و تعلق به بیگانگان و دشمنان دین زیاد می‌گردد. و لذا در مثل‌ها آمده است که؛ اجاق کور بهتر از بچه‌ی بی‌نور (همان، ۱۱۱)، بچه دشمن آدم است / دشمنی بالاتر از اولاد نیست (همان، ۱۰۹)، بعضی اولادها از هزار تومن قرض بی‌محل بدترند (همان، ۱۱۱). یا حضرت امیر «علیه السلام» می‌فرماید: قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۱) اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از راه‌های تأمین آسایش است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری:

- از آن چه نوشته شده این نتایج به دست می آید که:
- ۱- در موضوع ضرب المثلها و تطبیق آن با آموزه های دینی پژوهش ساختاریافته و منسجم زیادی دیده نمی شود. به طوری که در موضوع مورد بحث اصلاً مقاله یا کتابی تدوین نشده است.
 - ۲- واژه ترکیبی ضرب المثل از دو قسمت «ضرب» و «مثل» تشکیل شده است. ضرب به معنای «زدن» و مثل نیز به معنی «داستان» است. به بیان دیگر ضرب المثل به معنی «مثل زدن» نیز می باشد.
 - ۳- عموماً «مَثَل و ضرب المثل»، را مترادف یکدیگر به کار می برند، اما مَثَل اعم از ضرب المثل است.
 - ۴- به طور کلی ضرب المثل های فارسی با همه تنوع موضوعی و ساختاری که دارند در بازنمود مفاهیم، حقایق و آموزه های دینی، کارکردهای گوناگونی را در پیش گرفته اند.
 - ۵- منظور از کودک و نوجوان در این نوشتار واژگانی چون: بچه، بچگی، اولاد، پرورشگاه، ته طغاری، طفل، فرزند، جوان، دختر، پسر، کودکان، نوه، یکویگانه، یکی یدونه بود.
 - ۶- از جمله ضرب المثل هایی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت عبارت بودند از: خدایی (همان کس) که دندان دهد، نان دهد *** عجله کار شیطان است *** چون که با کودک سر و کارت فتاد - پس زبان کودکی باید گشاد *** فرزند کمتر زندگی بهتر

پیشنهادات

همان طور که در این مقاله روشن شد علاوه بر فقها، عرفا، فلاسفه، شعراء، ادبا و ... که تحت تأثیر قرآن کریم و احادیث بوده اند و از آن ها الهام گیری کرده اند؛ آیات و روایات در کلمات و محاورات مردم کوچه و بازار نیز رسوخ کرده و برای گفتن ضرب المثلها نیز از آن ها بهره برده اند، از این رو لازم و ضروری است که اساتید دانشگاه و حوزه تلاش کنند، ضمن تبیین پیشینه، معنا، و راستی نمایی مثلها در متون فارسی و ... در زمینه ی تطبیق این مثلها با آموزه های دینی کتابها و مقالات بیشتری تالیف کنند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **من لا یحضره الفقیه**، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ **المحاسن**، محقق / مصحح: جلال الدین محدث، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱
۳. پاینده، ابو القاسم؛ **نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)**، چاپ چهارم، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲
۴. جاحظ، عمرو بن بحر؛ **البيان والتبيين**، چاپ اول، دار و مكتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۲
۵. حلوانی، حسین بن محمد؛ **نزهة الناظر وتنبيه الخاطر**، محقق / مصحح: مدرسه الإمام المهدي «علیه السلام»، چاپ اول، مدرسه امام مهدی «علیه السلام»، قم، ۱۴۰۸.
۶. حیدری ابهری، غلامرضا؛ **حکمت نامه پارسیان**، چاپ اول، نشر جمال، قم، چ ۱، ۱۳۸۵
۷. دهخدا، علی اکبر؛ **امثال و حکم**؛ چاپ بیست و یکم، امیرکبیر، ۱۳۹۱
۸. دهگان، بهمن؛ **فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی**، چاپ اول، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۴
۹. ذوالفقاری، حسن، **هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل های فارسی**، فصلنامه مطالعات ملی، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲، صص ۲۸-۵۲
۱۰. ذوالفقاری، حسن؛ **داستان های امثال**، چاپ دوم، تهران، مازیار، ۱۳۸۵
۱۱. سبحانی، جعفر؛ **مثل های آموزنده قرآن در تبیین پنجاه و هفت مثل قرآنی**، مؤسسه امام صادق «علیه السلام»، قم، ۱۳۸۲
۱۲. شکراللهی، احسان الله؛ **مثل آباد: تلخیص و بازنویسی کتاب های مجمع الامثال و جامع التمثیل اثر محمدعلی حبله رودی**، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، تهران، ۱۳۸۳
۱۳. محمدحسین زاده، عبدالرضا و تارم، میثم و صباحی گراغانی، حمید؛ **بررسی راستی نمایی مثل ها در متون منثور فارسی نسبت به آموزه های دینی**، نشریه نشر پژوهی ادب فارسی، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۸۵-۲۰۳
۱۴. محمدحسین زاده عبدالرضا؛ **بررسی جنسیت در ضرب المثل ها با توجه به آیات و احادیث**، مجله مطالعات زنان، شماره ۴، دی ۱۳۸۸، صص ۷-۳۱
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **کافی**، محقق / مصحح: دار الحدیث، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ **پیام امام امیر المومنین «علیه السلام»**، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶
۱۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ **معراج السعاده**، چاپ چهاردهم، هجرت، تهران، ۱۳۹۸
۱۸. نفیسی، علی اکبر؛ **فرهنگ نفیسی**، چاپ اول، خیام، تهران، ۱۳۵۵